

کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتقاقی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل

محمد ستایش پور^۱، مهدی حدادی^{۲*}

چکیده

کمیسیون حقوق بین‌الملل در راه تنظیم شاکله حقوق مسئولیت بین‌المللی، سخن از دو اساس برای اعمال مسئولیت به میان می‌آورد: مسئولیت مستقل (مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی) و مسئولیت اشتقاقی (مسئولیت دولت یا سازمان بین‌المللی در خصوص عمل متخلفانه دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر)؛ با این حال، کمیسیون درباره برخی مقولات مربوطه، ساکت بوده است. مقاله حاضر بر آن است تا از رهگذر تبیین نکاتی که کمیسیون در خصوص آن‌ها سکوت کرده است، لزوم وجود نهاد مسئولیت اشتقاقی را مطالعه کند که تاکنون در ادبیات فارسی حقوق بین‌الملل مهجور افتاده است. در این راه، پس از تبیین مفهومی، به روند گذار آن در اسناد کمیسیون و به زمینه‌های پیدایی و گسترش آن می‌پردازد و درمی‌یابد که مسئولیت اشتقاقی مکمل مسئولیت مستقل است و چهار عامل تعامل با یکدیگر، اخلاق‌گرایی، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و افزایش شمار بازیگران فعال در جامعه بین‌المللی، عمده‌ترین نقش را در ظهور و گسترش نهاد مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی بازی کرده‌اند. توسیع این زمینه‌ها، وجود نهاد مسئولیت اشتقاقی که خود مقتضای عدالت است را مقتضی می‌دارد.

کلیدواژگان

دولت، سازمان بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی، مسئولیت در خصوص عمل دیگری، مسئولیت ناشی از عمل غیر، مسئولیت اشتقاقی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

۲. استادیار دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم (نویسنده مسئول).

Email: mhaddady@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۶

مقدمه

کمیسیون حقوق بین‌الملل، به‌منزله نهاد سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، از همان آغازین سال‌های فعالیت، مطالعه مسئولیت بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داد که پس از فراز و نشیب فراوان، سرانجام به دو پیش‌نویس مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱، به ترتیب در خصوص دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی انجامید. با آنکه هنوز هیچ‌یک از این دو، در قامت کنوانسیون درنیامده‌اند، اما بسیاری از مقرره‌های آن‌ها مورد استناد دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و محاکم و به‌طور خاص، دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته‌اند (A/71/80, 2016: 5,24). کمیسیون در هر دو مجموعه از دو اساس در اعمال مسئولیت سخن می‌برد؛ یکی مسئولیت مباشر و دیگری مسئولیت در خصوص اعمال ارتكابی مباشر که اساس نخست مسئولیت مستقل و اساس دوم، مسئولیت اشتقاقی نامیده می‌شود.

با این حال، به لزوم این کار کمیسیون، رابطه این دو اساس و سایر مفاهیم مرتبط، روند گذار و زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن کمتر پرداخته شده یا اصلاً پرداخته نشده است.^۱ با توجه به اینکه کمیسیون نهادی است که درصدد تهیه و ارائه مجموعه مواد به‌منزله موازین حقوقی بین‌المللی است، جای چنین مطالبی در آورده‌های آن به‌منزله اسناد بین‌المللی نیست، بلکه این جستارهای حقوقی‌اند که باید بدین مقولات پردازند. لذا مقاله پیش‌رو از رهگذر تدقیق در این امور، نشان می‌دهد که مسئولیت اشتقاقی تا چه اندازه برای برپایی عدالت در جامعه بین‌المللی ضروری است و خلأ یا حتی نقصان آن می‌تواند عدول از این عدالت را به دنبال آورد.

حقیقت مطلب آن است که از رهگذر بررسی مقولاتی از این قبیل، مفهوم مسئولیت ناشی از عمل دیگری در گستره بین‌المللی بهتر مشخص می‌شود و بالمآل ایضاح پازل آن را در پی خواهد داشت، همچنین، مسیر به زیر ذره‌بین قراردادن زمینه‌های خاص و تطبیق قواعد عمومی آن با مصادیق و عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را میسر می‌کند. افزون بر این، رفته‌رفته، سلسله تدقیق در مطالبی با این موضوع، می‌تواند چراغ راه آینده برای تسری گزاره پیش‌گفته به سایر بازیگران در عرصه بین‌المللی به حساب آید.

۱. راقمان سطور پیش‌رو با علاقه‌ای که به حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی دارند به این فقد در آثار فارسی پی بردند و بر آن شدند تا بدان پردازند. در این راه، توجه به تک‌تک زمینه‌های مرتبط نیازمند آن بود که ابتدا به کلیات و قواعد عمومی آن نظر دوخته شود و پس از آن وارد زمینه‌های جزئی شوند. حاصل کار پیش‌گفته به پایان‌نامه ذیل انجامید؛ ستایش‌پور، محمد (۱۳۹۴). «مسئولیت اشتقاقی در نظام مسئولیت بین‌المللی (با تأکید بر طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت و طرح ۲۰۱۱ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی)»، تحت راهنمایی مهدی حدادی، پردیس فارابی دانشگاه تهران. مقاله پیش‌رو، برگرفته و تکامل‌یافته پایان‌نامه پیش‌گفته است.

مفهوم

با توجه به آنکه مسئولیت بین‌المللی مستقل در همان آغازین مقرره‌های هر دو مجموعه مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی آمده است و اساس هر دو شاکله دانسته می‌شود، مذاقه در مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی، اقتضا دارد که پیش از آن مفهوم مسئولیت بین‌المللی مستقل بررسی شود. مضاف بر این، از آنجا که مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی درصدد تبیین مسئولیت درخصوص عمل دیگری است و مسئولیت مستقل به سراغ مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی می‌رود تا مسئولیت بین‌المللی آن را بررسی کند، گزاره‌های منطقی حکم می‌کنند که توجه به مفهوم مسئولیت درخصوص عمل مباشر، بدون توجه به مفهومی که بر آن اساس، مسئولیت خود مباشر احراز می‌شود، ابر و حتی کم‌وبیش عبث خواهد بود. بدین‌روی، در جستار حاضر، نخست تا آنجا که پرداختن به مسئولیت اشتقاقی اقتضا می‌کند، به بررسی مسئولیت مستقل نظر دوخته می‌شود.

چنانکه از عنوان نیز برمی‌آید، این جستار درصدد نورا فکنی بر مفهوم مسئولیت اشتقاقی و لزوم وجود آن در گستره بین‌المللی است، لذا صرف‌نظر از مصادیق داخل در این مفهوم است، زیرا بهترین تعریف، تعریفی است که از مفهوم به مصداق برسد و نه برعکس؛ تنها در فقد مفهومی واحد است که از مصداق به مفهوم رسیده می‌شود؛^۱ حال با وجود تعریفی واحد از مفهوم مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی، پرداختن به مصادیق آن در جستاری که رسالت خود را کنکاش در لزوم درج مفهوم پیش‌گفته می‌داند منطقی به نظر نمی‌رسد.

گفتنی است که بعضاً برای پرهیز از تکرار واژه بین‌المللی به گفتن «مسئولیت مستقل»^۲ و «مسئولیت اشتقاقی»^۳ بسنده شده است که با توجه به سیاق مورد بحث که نورا فکنی در مفهوم پیش‌گفته در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد است، پرواضح است که منظور، همان «مسئولیت بین‌المللی مستقل» و «مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی» است و تنها به‌منظور احتراز از تکرار واژه «بین‌المللی» در گوشه‌گوشه جستار، خودخواسته این‌گونه بیان شده است. چنانکه این امر در آثار غیرفارسی زبان نیز امری متداول است و البته اگر مشکل حقوقی آن بدین‌گونه رفع شود، به لحاظ ادبی گوش و چشم‌نوازتر نیز است.

۱. مسئولیت بین‌المللی مستقل

حقوق مسئولیت بین‌المللی بر این اصل استوار است که دولت یا سازمان بین‌المللی مسئولیت

۱. درخصوص تروریسم، این‌گونه است.

۲. 'Independent Responsibility'

۳. 'Derivative Responsibility'

رفتار متخلفانه‌ای دارد که خودش آن را مرتکب شده است. عمل متخلفانه بین‌المللی دولت ممکن است شامل یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد. حقوق مسئولیت بین‌المللی راه اصلی خود را با تکیه بر اصل مسئولیت «مستقل» یا «شخصی»^۱ دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌پیماید. برای احتراز از خلط مفهوم «مسئولیت شخصی» دولت و سازمان بین‌المللی با مفهوم «مسئولیت شخصی» که برای مسئولیت اشخاص در ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری به کار گرفته می‌شود استفاده از عبارت «مسئولیت مستقل» در حقوق مسئولیت بین‌المللی مناسب‌تر دانسته می‌شود. به تعبیر کمیسیون حقوق بین‌الملل این نام‌گذاری از آن جهت مناسب است که هر یک، مجموعه تعهدات بین‌المللی خاص خود و مسئولیت‌های مربوط به آن را دارد (ILC Yearbook, 2001: 64).

به موجب اصل مسئولیت مستقل، دولت یا سازمان بین‌المللی را می‌توان در صورت نقض تعهد و قابلیت انتساب، مسئول رفتار متخلفانه خودش دانست؛ یعنی آن‌ها مسئولیت رفتاری را دارند که نقض تعهدات بین‌المللی آن‌ها قلمداد شود و به آن‌ها منتسب باشد (ARSIWA, 2001: 128). این اصل بنیادین نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست که هر دولتی بابت عمل متخلفانه‌ای که به آن قابل انتساب است، مسئولیت دارد (Crawford, 2013: 395). اصل مسئولیت مستقل به خوبی در طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت (از این پس طرح ۲۰۰۱ خوانده می‌شود) انعکاس یافته است. این اصل اساسی در ماده ۱ این مجموعه مواد جای گرفته است: «هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود». درواقع کمیسیون با آوردن واژه «آن دولت» اصل را بر مسئولیت دولت مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی قرار داده است. ماده ۳ از طرح ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (از این پس طرح ۲۰۱۱ خوانده می‌شود) نیز به همین ترتیب در خصوص سازمان‌های بین‌المللی عمل کرده است و اظهار می‌دارد: «هر عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی آن سازمان می‌شود»^۲ (ARIO, 2011: 80-81). در شرح و تفسیر کمیسیون از این ماده آمده است که ماده گفته شده ناظر بر مواردی است که در آن‌ها سازمانی متحمل مسئولیت بین‌المللی می‌شود و عمدتاً به مواردی مربوط است که خود سازمان مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده

1. 'Individual'

برای ملاحظه برگردان پارسی متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت بنگرید به؛ ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۳). *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، شهر دانش.

۲. به منظور ملاحظه برگردان پارسی متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، بنگرید به؛ عابدینی، عبدالله و روزگاری، خلیل (۱۳۹۴). *حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، خرسندی.

باشد. در این خصوص، طرح ۲۰۱۱ نیز در همان مسیری گام برداشته که پیش‌تر طرح ۲۰۰۱ آن را پیموده است.

۲. مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی

اگرچه کمیسیون حقوق بین‌الملل، اصل را بر مسئولیت بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی قرار می‌دهد، از مسئولیت‌داشتن «در ارتباط با»^۱ عمل دیگری، که به اقتضای قضایای مطروح می‌تواند دولت یا سازمان بین‌المللی یا هر دو باشد، نیز سخن به میان می‌آورد. این همان چیزی است که از آن به مسئولیت اشتقاقی یاد می‌شود. کمیسیون در طرح ۲۰۰۱ سه حالت «کمک یا مساعدت»^۲ «هدایت و کنترل»^۳ و «اجبار»^۴ را داخل در این مجموعه مواد می‌داند، حال آنکه در طرح ۲۰۱۱ مضاف بر این سه، حالت «گریز از تعهد بین‌المللی»^۵ را نیز بدان‌ها افزوده است. البته نباید این‌گونه پنداشته شود که گریز از تعهد بین‌المللی، تنها به سازمان‌های بین‌المللی منحصر است و در قبال دولت‌ها قابل اعمال نیست. کمیسیون از این جهت، مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی دولت در خصوص گریز از تعهد بین‌المللی را در طرح ۲۰۰۱ خود نیاورده است که با بحث سازمان‌ها ملازمه داشته است. جستار حاضر، صرف‌نظر از بررسی شرایط اعمال هر یک از این حالت‌ها، درصدد است تا به مفهوم مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی و لزوم درج آن از رهگذر توجه به نکاتی باشد که کمیسیون در آن باره سکوت کرده است.

چنین نهادی، پیش از این در نظام‌های حقوق داخلی نیز وجود داشته و در واقع به صورت مستقیم و غیرمستقیم، چراغ راه گزارشگران بوده است. مسئولیت ناشی از عمل دیگری، مسئولیت ناشی از فعل غیر و ... عباراتی است که در نظام‌های ملی وجود دارد. اقتضای عدالت است که هیچ‌کس بابت نقشی که در عمل متخلفانه ارتکابی داشته است، بدون مسئولیت به حال خود واسیرده نشود. گفتنی است یکی از زمینه‌های مهم مسئولیت بین‌المللی که در واقع برگرفته از نظام‌های حقوقی داخلی یا وام‌دار مفاهیم پیشینی در این نظام است، مسئولیت اشتقاقی است.^۶ به طور کلی اصول تشکیل‌دهنده برخی مفاهیم به‌کاررفته در حقوق داخلی می‌توانند در حقوق بین‌الملل مفید افتند (Noyes & Smith, 1988: 249-251)، اما نباید در این راه تند رفت. آقای قاضی سیما در قضیه سکوه‌های نفتی استفاده از اصول حقوق داخلی در

1. 'In Connection With'.

2. 'Aid or Assistance'.

3. 'Direction and Control'.

4. 'Coercion'.

5. 'Circumvention of International Obligation'.

۶. مفاهیمی نظیر مسئولیت تضامنی در فقه شیعه و حقوق اسلام و ایران نیز از مفاهیمی هستند که با این مقوله در ارتباطند. در مطالعه مناسبات حقوق داخلی و بین‌المللی، جا دارد که به این مهم نیز توجه شود.

عرصه بین‌المللی را کاری سخت خوانده است (ICJ Rep, 2003: 161,354). حال آنکه، قاضی شهاب‌الدین در نظریه خود طی قضیه برخی زمین‌های فسفات در نائورو پیشنهاد کرده است که از اصول تثبیت‌شده حقوق داخلی استفاده شود (ICJ Report, 1992: 240,285).

نظام مسئولیت بین‌المللی در گام‌های اولیه خود به آن دسته از اعمال متخلفانه بین‌المللی که صرفاً ماهیتی دوجانبه داشتند منحصر می‌شد (Spinedi, 2002: 1107) که خود به فراخور این بود که بیشتر نقض‌های حقوق بین‌الملل تک‌بعدی بودند. حال آنکه در جامعه کنونی بین‌المللی به‌ندرت پیش می‌آید که تنها یک بازیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی نقش داشته باشد و نقض تعهدات بین‌المللی با همکاری بازیگران عرصه بین‌المللی انجام می‌شود (Lanovoy, 2014: 134). راه‌های زیادی وجود دارد تا چندین بازیگر بتوانند از رهگذر آن‌ها به انجام چنین عملی دست بزنند و به دنبال آن مسئولیت بین‌المللی در خصوص عمل دیگری مطرح شود. امکان طرح این قسم از مسئولیت در زمینه‌های مختلف از فعالیت‌های بشری وجود دارد. حقوق بین‌الملل پناهندگی، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل دریاها، حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل هوا و فضا (<http://www.sharesproject.nl/news>) نمونه‌هایی از این زمینه‌ها هستند که امکان اعمال مسئولیت در خصوص عمل دیگری درباره آن‌ها وجود دارد و مطالعات گسترده‌ای در سطح بین‌المللی روی آنان صورت گرفته است؛ حال آنکه این فقر در آثار فارسی به‌شدت مشهود است.

با برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی بین‌المللی، امکان تحقق مسئولیت اشتقاقی در خصوص سازمان‌های بین‌المللی نیز متصور است. برای مثال، این فرض محتمل است که سازمان بین‌المللی، در ارتکاب عمل متخلفانه از سوی دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر نقش داشته باشد. هیچ دلیل عقلی و منطقی را در رژیم مسئولیت بین‌المللی نمی‌توان یافت که میان نقش دولت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی و نقش سازمان بین‌المللی در ارتکاب چنین عملی تمایزی قائل باشد.

۳. سایر مفاهیم مرتبط

برای احتراز از خلط مفهومی با سایر مفاهیم کم‌وبیش مرتبط، در این قسمت به گزاره‌هایی پرداخته می‌شود که امکان دارد به اشتباه در دایره مسئولیت اشتقاقی تلقی شوند. بدیهی است جستار حاضر تا اندازه‌ای بر آن‌ها نظر می‌افکند که به‌منظور روشن‌تر شدن مفهوم مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی باشد.

۳. ۱. مسئولیت اشتراکی^۱

مسئولیت اشتراکی امکان مسئولیت بین‌المللی بیش از یک دولت، سازمان بین‌المللی، بازیگر غیردولتی و به طور کلی بازیگران جامعه بین‌المللی را صرف‌نظر از فعال یا غیرفعال بودن آن‌ها بررسی می‌کند. پروژه تحقیقاتی مسئولیت اشتراکی^۲ بر آن است با نگاهی دوباره بر مسئولیت بین‌المللی مواردی را بررسی کند که چند بازیگر در وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند تا بتواند حیطه و ماهیت مشکلات برخاسته از اقسام متعدد مسئولیت بین‌المللی را مشخص کند و نمایی به‌روز بر سازه آن براندازد.^۳ این در حالی است که آورده‌های کمیسیون، صرف‌نظر از موارد اندکی که تنها به فراخور ارتباطی که با مسئولیت بین‌المللی دولت داشته (ARSIWA, 2001: 50) یا اینکه در قالب قید تحفظ آمده‌اند^۴ (ARSIWA, 2001: 142) به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (طرح ۲۰۰۱) و سازمان‌های بین‌المللی (طرح ۲۰۱۱) اختصاص یافته‌اند. بدین سبب، عملکرد این پروژه از رهگذر رسیدگی به مشکلات کمتر رسیدگی شده و کمتر شناخته شده مربوط به بارگذاری مسئولیت بر بیش از چند بازیگر فعال و غیرفعال در جامعه بین‌المللی، می‌تواند راه‌گشای کارهای آتی کمیسیون در این حوزه باشد (<http://www.sharesproject.nl/about/project>).

با این توضیح، مسئولیت اشتقاقی تنها ناظر بر تابعان فعال حقوق بین‌الملل، یعنی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که واجد شخصیت حقوقی بین‌المللی‌اند و قابلیت برخورداری از حقوق و تعهدات متقابل را دارند. حال آنکه، مسئولیت اشتراکی، مختص بازیگران فعال جامعه بین‌المللی نیست و درخصوص هر بازیگر دیگر، از جمله راجع به بازیگران غیردولتی نیز قابل بررسی است (d'Aspermont, et.al., 2015: 49). بدین ترتیب مسئولیت اشتراکی، معنای عام‌تری نسبت به مسئولیت اشتقاقی دارد. درواقع، مسئولیت اشتقاقی، در دایره مسئولیت

1. Shared Responsibility.

2. Shares Project.

۳. این پروژه تحت‌نظر نولکمپر فعالیت دارد و دامنه اعضا و همکاران این تیم بسیار گسترده است و از پژوهشگرانی کهنه‌کار نظیر قاضی کراوفورد و قاضی تومکا تشکیل شده است که هر یک از سروقامتان باغستان حقوق بین‌الملل دانسته می‌شوند و دانشجویان زبده این زمینه از دانش بشری در آن طیف می‌گنجند. این پروژه تحقیقاتی که مرکز مطالعاتی آن در دانشگاه آمستردام است، از سوی شورای تحقیقات اروپایی در سال ۲۰۱۰ شروع به کار کرده است.

۴. برای مثال با توجه به ماده ۵۸ از طرح ۲۰۰۱، نپرداختن به مسئولیت فردی شخص در مجموعه مواد نباید به مسئولیت‌نداشتن افراد تعبیر و تفسیر شود، بلکه تنها از آن جهت بدان‌ها در مجموعه پیش‌گفته پرداخته نشده که از دایره مطالعاتی آن خارج بوده است. لذا کمیسیون هوشیارانه عمل و بر این امر تأکید کرده است. همین‌طور است درخصوص گروه‌های شورشی و سازمان‌های بین‌المللی که البته کمیسیون موفق به تهیه مجموعه مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی شد، اما هنوز این مهم درخصوص گروه‌های شورشی به وقوع نپیوسته است.

اشتراکی جای می‌گیرد. به تعبیر منطقیون، رابطه دو مفهوم پیش‌گفته، عموم و خصوص مطلق است. بدین‌صورت که هر یک از مصادیق مسئولیت اشتقاقی، در دایره مسئولیت اشتراکی نیز جای می‌گیرد، اما لزوماً هر یک از مصادیق مسئولیت اشتراکی، از مصادیق داخل در دایره مسئولیت اشتقاقی دانسته نمی‌شود.

۲.۳. مسئولیت مشترک، اما متفاوت^۱

مسئولیت مشترک، اما متفاوت از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار می‌رود که برگرفته از مفهوم میراث مشترک بشریت^۲ است و تعهد مشترک کشورها را در حفاظت از محیط‌زیست بررسی می‌کند (عبداللهی و معرفی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). گفتنی است که این مفهوم، تنها به ازن و اقلیم منحصر نمی‌شود (Stone, 2004: 276). مرکز حقوق بین‌الملل توسعه پایدار،^۳ راجع بدان اظهار داشته است که «اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت ... تجلی اصل کلی انصاف در حقوق بین‌الملل است» (CISDL, 2002: 1). «این اصل، متضمن دو رکن بنیادین است: نخست، مسئولیت مشترک دولت‌ها برای حفاظت از محیط‌زیست یا بخشی از آن در سطوح، ملی، منطقه‌ای و جهانی، دوم، لزوم توجه به اوضاع و احوال متفاوت موجود، به‌خصوص توجه به نقشی که هر دولت در ایجاد و گسترش معضل دارد و توانایی آن برای پیشگیری، کاهش و کنترل این تهدید» (CISDL, 2002: 1).

لذا پرداختن به مسئولیت مشترک، اما متفاوت از قلمرو مفهومی مسئولیت اشتقاقی خارج است. البته ناگفته نماند که ممکن است نقض این تعهد نیز همانند هر تعهد دیگری مسئولیت اشتقاقی را به دنبال داشته باشد، اما نباید تشابه‌های اسمی این اشتباه را به ذهن متبادر کند که بررسی مفهوم مسئولیت اشتقاقی، با نظر دوختن بر مسئولیت مشترک، اما متفاوت ملازمه دارد. از آن روی «Shared Responsibility» در اینجا، مسئولیت اشتراکی ترجمه شد و نه مسئولیت مشترک که با مفهوم بیشتر آشنای «مسئولیت مشترک، اما متفاوت» خلط نشود.

۳.۳. مسئولیت ناشی از نقض تعهدات چندجانبه^۴

به‌منظور هرچه روشن‌تر شدن مفهوم مسئولیت اشتقاقی گفتنی است که مسئول دانستن چند دولت یا سازمان بین‌المللی در خصوص عمل متخلفانه واحد را نباید با نقض تعهدات چندجانبه خلط کرد (Crawford, 2013: 395). در واقع در صورتی که تعهدی چندجانبه از سوی یک

1. Common but Differentiated Responsibility (CDR).

2. Common Heritage of Mankind.

3. Centre for International Sustainable Development Law (CISDL).

4. Multiple Obligations.

کشور یا سازمان بین‌المللی نقض شود، مسئولیت مستقل معمول می‌شود و نه اشتقاقی. اما اگر بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی در نقض همین تعهد چندجانبه ایفای نقش کنند، آن‌گاه می‌توان سخن از اعمال مسئولیت اشتقاقی برد. لذا رابطه «مسئولیت ناشی از نقض تعهدات چندجانبه» و «مسئولیت اشتقاقی»، عموم و خصوص من‌وجه است.

۳.۴. تعدد زیان‌دیدگان

در امکان مسئول دانستن چند تابع فعال حقوق بین‌الملل، سخن از وحدت یا تعدد زیان‌دیدگان نمی‌رود و لذا پرداختن بدین موضوع صرف‌نظر از شمار زیان‌دیدگان است (ARSIWA, 2001: 123). بدین ترتیب، در گستره مسئولیت اشتقاقی، به‌هیچ‌وجه شمار زیان‌دیدگان موضوعیت ندارد و نکته حائز اهمیت آن است که بیش از یک بازیگر فعال مسئولیت دارد.

۴. ارتباط دو مفهوم مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی و مستقل

درست است که تحقق یک عمل متخلفانه بین‌المللی واحد، موجب اعمال مسئولیت بین‌المللی بر آن‌ها می‌شود، اما مطلب بسیار حائز اهمیت در این خصوص آن است که تعهدات اولیه مورد نقض و مهم‌تر از آن، اساس اعمال این مسئولیت به‌منزله تعهد ثانویه متفاوت است. این تفاوت‌ها، تمایزات دیگری از جمله چند و چون تسهیم مسئولیت را میان این دو ترسیم می‌کنند. منظور از تسهیم مسئولیت در اینجا، آن است که هر یک از مسئولان، خواه به صورت مباشرت و خواه در ارتباط با آن، تا چه اندازه باید جبران خسارت به معنای اعم کلمه را بر دوش گیرند. البته تسهیم مسئولیت، در واقع به دنبال هرچه عادلانه‌تر شدن این شالوده است و به همان اندازه که بر لزوم جبران خسارت از زیان‌دیده، پافشاری دارد، منع جبران مضاعف نیز از رصد آن دور نمانده است.

با وجود ارائه تعریف و تبیین مفاهیم دو اساس اعمال مسئولیت بین‌المللی، این سؤال هنوز پابرجاست که آیا هر دو به طور هم‌زمان قابلیت اعمال دارند یا اینکه اعمال یکی مانع از دیگری می‌شود و به عبارت دیگر، آیا با کار بست یکی، نوبت به کار بست دیگری می‌رسد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال باید سراغ ارتباط میان دو مفهوم یا بهتر بگوییم دو نهاد مسئولیت بین‌المللی گرفته شود. بدون شک، مسئولیت مستقل، رکن رکین اعمال مسئولیت در هر دو پهنه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. مسئولیت اشتقاقی به‌منظور بی‌مسئولیت‌نماندن تابعان فعالی که به‌گونه‌ای در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی نقش داشته‌اند در چارچوب ترسیمی کمیسیون که بیشتر جنبه تدوین حقوق بین‌الملل دارد تا توسعه تدریجی آن، جای گرفته است. اگر این

قسم از مسئولیت نبود، خلأئی در چارچوب حقوق مسئولیت بین‌المللی، جامعه بین‌المللی را آزار می‌داد.

درخصوص ارتباط میان مسئولیت مستقل و اشتقاقی، می‌توان به دو وجه رسید؛ نخست اینکه مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی، در نقش مکمل مسئولیت بین‌المللی مستقل و دوم اینکه استثنایی بر آن است. به همین دلیل است که از آن به مسئولیت «ثانوی»^۱ نیز یاد شده است (Roucounas, 2013: 163). حال ممکن است خرده گرفته شود که چطور یک استثنا می‌تواند مکمل هم باشد. حقیقت آن است که مسئولیت اشتقاقی مانع از اعمال مسئولیت مستقل نمی‌شود و تنها در کنار آن است که معنا می‌یابد و به عبارت دیگر، در عرض آن است و نه طول آن. از این حیث گفته شده است مسئولیت اشتقاقی استثنایی بر آن دانسته می‌شود که در بارگذاری مسئولیت بر عهده بازیگرانی که مباشر عمل متخلفانه اصلی نبوده و از طرق دیگر در عمل متخلفانه ارتكابی نقش داشته‌اند، تنها مسئولیت اشتقاقی قابلیت اعمال دارد نه مسئولیت مستقل. همین ناممکن بودن اعمال مسئولیت مستقل درخصوص بازیگرانی که مباشر نبوده‌اند، اما متخلف دانسته می‌شوند، موجب شده است تا مسئولیت اشتقاقی، استثنایی بر مسئولیت مستقل دانسته شود. بدین ترتیب مشخص می‌شود که اعمال هر یک از این دو، مانع از کاربرد دیگری نمی‌شود؛ حقیقت آن است که مسئولیت بین‌المللی مستقل، سنگ بنای اصلی اعمال مسئولیت بین‌المللی دانسته شده و مسئولیت اشتقاقی استثنا و فرعی بر آن است.

مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی در گذار

مطالعه پیشین درج مسئولیت بین‌المللی ناشی از فعل غیر در اسناد کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌تواند برای تبیین هرچه بهتر ابعاد تابیده آن راهنما باشد.

۱. نگرش سنتی به عمل متخلفانه بین‌المللی (۱۹۵۶-۱۹۶۳)

از آنجا که در آغاز مسیر تبلور نظام مسئولیت بین‌المللی، نقض تعهدات تک‌بعدی ویژگی غالب این نظام فهمیده می‌شد، نخستین گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، گارسیا آمادور، در تهیه «پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه» فقط اعمال متخلفانه دارای ماهیت دوجانبه را بررسی کرد. البته ناگفته نماند، در میان اندیشمندان وقت حقوق بین‌الملل، کسانی بودند که به امکان مسئول خواندن دولت درخصوص اقدامات اشخاص خصوصی توجه داشتند، اما حتی در مطالعات آنان نیز، هیچ نشانی از مسئولیت دولت درخصوص اعمال دولت دیگر وجود نداشت. گارسیا آمادور هیچ توجهی به امکان مسئول دانستن

1. 'Secondary'

یک دولت در قبال عمل غیر نشان نداد (Muller, 2010: 73). در واقع از آنجا که نظام مسئولیت بین‌المللی فقط ماهیت دوجانبه قراردادی داشت، مفهوم «هم‌دستی»^۱ در ارتکاب جرم، پذیرفتنی نبود (Lanovoy, 2014: 134). در وضعیت دوجانبه، یک طرف، عمل متخلفانه را مرتکب می‌شود و طرف دیگر از عمل متخلفانه ارتكابی زیان می‌بیند. بنابراین، تا سال ۱۹۶۳ امکان مسئولیت‌داشتن در خصوص عمل دیگری اصلاً مطرح نبود و به این ترتیب هیچ شناختی راجع به مقوله مسئولیت اشتقاقی در گستره حقوق مسئولیت بین‌المللی وجود نداشت.

۲. تحول در نگرش به عمل متخلفانه بین‌المللی (۱۹۶۳-۱۹۷۹)

با انتصاب روبرتو آگو به‌منزله گزارشگر، تدوین پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی از دوجانبه‌گرایی صرف فاصله گرفت. آگو برای اینکه بتواند اصول مسئولیت بین‌المللی دولت را کامل‌تر کند سعی بر آن داشت مقرره‌ای درج شود که براساس آن بتوان دولت را به دلیل نقشی که در عمل متخلفانه ارتكابی دولت دیگر داشته است مسئول دانست. گزارش هفتم وی به جرایم یکسان ارتكابی اشاره داشت (ILC Yearbook, 1978: 54). کمیسیون حقوق بین‌الملل بر این باور بود که وضعیت‌هایی که در آن‌ها مسئولیت به دولتی غیر از دولت مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی نیز قابل انتساب باشد بسیار استثنایی‌اند و نباید اصل اساسی مندرج در ماده ۱ را تحت تأثیر قرار دهند (A/CN.4/246 & Add.1-3, 1971: Para.47). این نهاد علمی، گنجاندن هرگونه مقرره‌ای که حکایت از مسئولیت‌داشتن در خصوص عمل دیگری داشته باشد را به صلاح ندانست (A/9010/Rev.1, 1973: Para.11). به این ترتیب بود که مسئولیت دولت بابت رفتار متخلفانه‌ای که خودش انجام داده است به‌منزله قاعده اساسی پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت جایگاهی محکم یافت.

رفته‌رفته، دومین گزارشگر کمیسیون در دهه ۱۹۸۰ فرصت یافت تا نظام مسئولیت بین‌المللی را به چندجانبه‌گرایی نزدیک کند (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۲: ۱۲۰-۱۲۳) و از این رو، کمیسیون وضعیتی را مطالعه کرد که در آن، دولت در رفتار متخلفانه دولت دیگر دخیل بوده است. فصل چهارم از پیش‌نویس مواد ۱۹۷۸ به «نقش یک دولت در عمل متخلفانه دولت دیگر» اختصاص یافت. ماده ۲۷ که ذیل این فصل جای می‌گرفت، کمک یا مساعدت دولت به دولت دیگر برای ارتكاب عمل متخلفانه بین‌المللی را مطالعه می‌کرد (ILC Yearbook, 1978: 98). مطابق این ماده امکان انتساب یک مجموعه رفتاری به چند دولت وجود داشت و از این رو، اگر آن رفتار با تعهدات دولت‌های مرتکب این رفتارها مغایر بود، آنگاه این امکان وجود

1. Complicity.

داشت که دو یا چند دولت مرتکب اعمال متخلفانه بین‌المللی شده باشند و این مسئله صرف‌نظر از یکسان‌بودن یا نبودن آن اعمال متخلفانه بین‌المللی بود (ILC Yearbook, 1978: 99). درواقع، آگو برای نخستین بار به امکان بارکردن مسئولیت ناشی از عمل غیر توجه کرد. وی در ترسیم شاکله نظام مسئولیت بین‌المللی دولت بسیار موفق عمل کرد و چراغ راه گزارشگران بعدی شد (ابراهیم گل، ۱۳۹۲: ۳۹)؛ به‌گونه‌ای که آورده او به‌منزله نقطه آغازین پدیدایی مفهوم مسئولیت اشتقاقی در گستره بین‌المللی شناخته می‌شود (Spinedi, 2002: 1109). به این ترتیب، نگرش حاکم بر مسئولیت بین‌المللی در خصوص عمل دیگری در نظام مسئولیت بین‌المللی تجلی یافت (Lowe, 2007: 121).

۳. تکامل مفهومی (۱۹۷۹-۱۹۹۶)

ماده ۱ از مجموعه مواد ۱۹۹۶، بدون آنکه هیچ صراحتی بر دولتی داشته باشد که مسئولیت نسبت بدان ایجاد شده است، متضمن آن بود که نقض هر تعهد بین‌المللی مسئولیت دولت پیش‌گفته را به دنبال دارد. حال آنکه در فصل چهارم از بخش اول مجموعه پیش‌گفته، به حالاتی استثنایی می‌پرداخت که دولت به‌منزله ارگان یا نماینده دولت دیگر عمل نمی‌کرد، اما رفتار آن می‌توانست دولت اخیر را متهم کند. با این همه، متخلفانه‌بودن آن رفتار می‌بایست، دست‌کم در گام نخست، نقض تعهدات بین‌المللی دولت اول تلقی می‌شد. این مواد سه دسته از اوضاع و احوال را بررسی می‌کرد که در آن‌ها، یک دولت «معاون» در ارتکاب رفتار متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر قلمداد می‌شد: نخست در جایی که دولت، برای تسهیل ارتکاب عمل متخلفانه، اقدام به کمک یا مساعدت به دولت دیگر کند (ماده ۲۷)؛ دوم در جایی که دولت مباشر، «تحت اعمال هدایت یا کنترل دولت دیگر» باشد (بند ۱ ماده ۲۸) و سوم در جایی که ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دولت در نتیجه اعمال اجبار از سوی دولت دیگر صورت گیرد (بند ۲ ماده ۲۸). ماده ۲۸ از طرح ۱۹۹۶ مقرره‌های مربوط این قسم از مسئولیت را کامل‌تر کرد. این ماده به هدایت یا کنترلی که دولت اعمال می‌کند و آن هدایت یا کنترل به مسئولیت بین‌المللی دولت دیگر می‌انجامد، همچنین به اجبار دولت در عمل متخلفانه بین‌المللی ارتکابی از سوی دولت دیگر اشاره داشت (Lowe, 2007: 196-205).

۴. تجلی در آورده نهایی راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت (۱۹۹۶-۲۰۰۱)

دخیل‌بودن دولت در ارتکاب عمل متخلفانه دولت دیگر، طی مراحل اولیه روند پیش‌نویس کردن مواد از سوی کمیسیون بیشتر استقبال شد تا اینکه فصل چهارم از بخش اول این مجموعه مواد را به خود اختصاص داد. حالتی که دولت در ارتکاب عمل متخلفانه دیگری، مشارکت می‌کند در

ماده ۲۷ از قرائت نخست به تصویب رسیده است (ILC Yearbook, 1978: 99-105) و ماده ۲۸ مأمور شده بود تا حالت مربوط به مسئولیت غیرمستقیم را بیان کند (ILC Yearbook, 1979: 27-4). کمیسیون در سال ۲۰۰۰ به این باور رسید که در حالتی که چندین دولت مرتکب عمل متخلفانه یکسانی شده باشند، امکان طرح مسئولیت مستقل هر یک مسلم و مبرهن است (ICJ Report, 1949: 4) (ICJ Report, 1992: 240) (A/CN.4/504, 1999: 8). این اصل به طور ضمنی از مجموعه مواد ۲۰۰۱ نیز قابل برداشت بود، اما به صراحت در ماده ۴۷ این طرح منعکس شد (A/CN.4/507 & Add. 1-4, 2000: 767).

شاکله فصل چهارم از بخش اول طرح ۱۹۹۶ حفظ شد، اما تغییراتی در متن آن به وجود آمد که موجب روشن تر شدن آن شد تا اینکه سرانجام در قالب چهار ماده جداگانه در طرح ۲۰۰۱ این نهاد علمی راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت آمد. فصل چهارم از بخش اول پیش‌نویس سال ۲۰۰۱ کمیسیون، تحقق سه وضعیت را به منزله امکان اعمال مسئولیت اشتقاقی در گستره حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها خوانده است: «کمک یا مساعدت»، «هدایت و کنترل» و «اجبار». ماده ۱۹ که در مقام تبیین اثر احکام این فصل است اعلام می‌دارد که احراز این موارد مانع از مسئول دانستن همان دولت یا سایر دولت‌ها به موجب دیگر مقرره‌های طرح نیست (A/CN.4/498 & Add. 1-4, 199: 47-55).

۵. ورود مفهوم مسئولیت اشتقاقی به دنیای حقوق مسئولیت سازمان‌های

بین‌المللی (۲۰۰۱-۲۰۱۱)

کمیسیون حقوق بین‌الملل که با درج مقرره‌های مربوط به مسئولیت اشتقاقی در طرح ۲۰۰۱ در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها راه را برای اعمال آن در عرصه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هموارتر می‌دید به‌جا دید که مواد طرح ۲۰۱۱ فقط مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را به دلیل اعمال متخلفانه‌ای که خودشان انجام داده‌اند بررسی نکنند، بلکه «مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به جهت عمل متخلفانه دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر» را نیز مدنظر داشته باشد. بنابراین، هر دو مورد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به دلیل رفتار متخلفانه‌ای که خودشان مرتکب شده و وضعیت‌هایی که این سازمان‌ها در عمل متخلفانه بین‌المللی دیگری نقش داشته‌اند را شامل می‌شود.

فصل چهارم از بخش دوم این مجموعه مواد، هر یک از چهار حالت «کمک یا مساعدت»، «هدایت و کنترل»، «اجبار» و «گریز از تعهدات بین‌المللی» را داخل در دایره مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی می‌داند. همچنین، بخش پنجم از همین پیش‌نویس وضعیت‌هایی را تبیین می‌کند که در آن‌ها دولت در خصوص رفتار سازمان بین‌المللی مسئولیت

دارد. شاید در بادی نظر توجه به مقوله مسئولیت بین‌المللی دولت در طرح مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی شایسته نباشد، اما با توجه به اینکه ماده ۵۷ از طرح ۲۰۰۱ عنوان می‌کند، مواد مورد بحث به موضوعات ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت در خصوص رفتار سازمان بین‌المللی خدشه‌ای وارد نمی‌کند و با لحاظ اینکه پرداختن به این موضوع با وارد شدن به حوزه حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی ملازمه دارد به‌درستی از دایره شمول طرح ۲۰۰۱ خارج دانسته شده و از این رو، کمیسیون در طرح ۲۰۱۱ هوشمندانه عمل کرده است. چنانکه در بند نخست از ماده ۲ یادآور می‌شود این مجموعه مواد درصدد پرکردن خلأهایی بوده که به عمد در طرح ۲۰۰۱ بر جای مانده است.

در پیش‌نویس کردن مجموعه مواد ۱۹۷۸ در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اظهار شد که قواعد مسئولیت اشتقاقی ریشه در رویه دولت‌ها پس از جنگ جهانی دوم دارد (Graefrath, 1996: 371) و پس از درج مقرره‌های مربوط به مسئولیت ناشی از عمل غیر در پیش‌نویس سال ۱۹۷۸، جز دولت سوئیس که باور داشت چنین مسئولیتی هنوز به حقوق بین‌الملل موضوعه وارد نشده است، بقیه دولت‌ها در پاسخ به کمیسیون به‌راحتی پذیرای این نوع مسئولیت بودند (Crawford, 2013: 400). به‌ندرت قضیه‌ای را می‌توان یافت که در آن علیه چندین خواننده طرح دعوی شده باشد. اگر چنین بوده است نظیر طرح دعوی جزایر مارشال علیه دول هسته‌ای، در واقع به مسئولیت مستقل هر یک از آن‌ها ادعا و کمتر به مسئولیت اشتقاقی پرداخته شده است (<http://www.sharesproject.nl/news/the-marshall-islands-files-> unprecedented-lawsuit-against-nuclear-armed-states-in-the-icj). از بارزترین نمونه‌های آن طی هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از رهگذر کمک یا مساعدت قدرت‌های جهان از جمله آمریکا و آلمان در تجهیز رژیم بعث به تسلیحات شیمیایی است (ستایش‌پور و عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۴۴ و ۱۴۵). پاره‌ای از این خلأ به علت موانع زیادی است که بر سر راه امور صلاحیتی و رویه‌ای طرح دعوی علیه چندین تابع فعال حقوق بین‌الملل وجود دارد که خود سبب شده است این مسائل بیشتر به روش‌های دیپلماتیک و سیاسی حل و فصل شوند تا حقوقی. متأسفانه در محاکم ملی و بین‌المللی می‌توان شاهد این موانع بود (Crawford, 2013: 232-236).

نگرشی بر زمینه‌های ظهور و گسترش مسئولیت اشتقاقی در پهنه

بین‌المللی

مسائل مربوط به مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی بسیار مهم و در عین حال بحث‌برانگیزند. این در حالی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل نه در هیچ‌یک از اسناد مرتبط با دو طرح ۲۰۰۱ و

۲۰۱۱ و نه در هیچ کدام از دیگر اسناد خود به طور دقیق توضیح نداده است که چرا به درج مفهوم مسئولیت اشتقاقی در پهنه حقوق مسئولیت بین‌المللی قائل شده است (A/CN.4/498 & Add.1-4, 1999: 45). با وجود این، با کنکاش در فلسفه حقوق و جامعه‌شناسی آن می‌توان به چهار عامل اساسی دال بر لزوم پدیدایی و استمرار این مفهوم پی‌برد: «تعامل با یکدیگر»، «اخلاق‌گرایی»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «افزایش شمار بازیگران فعال در عرصه حقوق بین‌الملل». در این خصوص باید به تأثیر و تأثر هر یک از این‌ها دقت کرد و توجه داشت ترتیبی که در زیر می‌آید به‌هیچ‌وجه به‌مثابه تقدم یکی بر دیگری نیست، زیرا همیشه این امکان وجود دارد که آن‌ها در یکدیگر اثرگذارند و از هم اثر بپذیرند. به همین دلیل، در مطالعه پدیدایی مسئولیت اشتقاقی باید همه موارد را در نظر داشت و آن‌ها را به‌منزله مجموعه‌ای برخوردار از اجزایی جدایی‌ناپذیر نگریست.

پیش از ورود به این بحث، گفتن این نکته ضروری است که جستار پیش‌رو به فراخور موضوعی که دارد بر آن است تا فقط تأثیر این چهار عامل را در مسئولیت اشتقاقی بررسی کند. از این رو، بررسی یک به یک چهار مورد گفته‌شده از عهده این نوشتار خارج است و هر یک به تحقیق و مطالعه جداگانه نیاز دارد تا شاید به طور کامل حق مطلبشان ادا شود. آنچه در اینجا نوشته می‌شود بر این فرض استوار است که خواننده از کلیت چهار مورد باخبر است و در اینجا تنها به اثری که در مسئولیت اشتقاقی دارند توجه می‌شود و اینکه نکند مجال ناکافی برای کنکاش در هر یک از آن‌ها که هر کدام ریشه در فلسفه حقوق و جامعه‌شناسی آن دارند، ابتری کلام را به بار آورد. با این همه، ورود به هر یک با گفتن مختصری در آن خصوص شروع می‌شود و افزون بر این، سعی نویسنده بر آن بوده است که با آوردن برخی از منابع معتبر در این خصوص خواننده مشتاق به مطالعه بیشتر را در این راه یار باشد.

۱. تعامل با یکدیگر

نظام حقوق بین‌المللی، که هم‌اکنون دایر است، جریانی پویا و در حال تحول است که هنوز به نقطه بلوغ خود نرسیده، اما شتاب آن برای تکمیل تکوین نظام حقوق بین‌الملل بسیار زیاد است؛ حقوق بین‌الملل در واقع حقوق روابط بین‌الملل است (میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). بروز انقلاب‌های علمی و صنعتی، افزایش وابستگی متقابل دولت‌ها را به دنبال داشته که خود موجب گسترش فعالیت‌های جمعی آن‌ها شده است. همواره، گذار نظام حقوقی بین‌المللی با دو رویکرد رویاروی بوده است: حقوق همزیستی^۱ و حقوق همکاری^۲. با پیچیدگی روزافزون روابط بین‌المللی، اعضای جامعه بین‌المللی تابعانی نیستند که تنها در کنار یکدیگر زیست کنند، بلکه

1. Coexistence law.

2. Cooperative law.

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی سعی بر آن دارند تا با همکاری یکدیگر به خواسته‌های خود نایل آیند که به طور مسلم گونه‌های این همکاری بسیار است. شناسایی مفهوم اقدام مشترک برای نیل به اهداف، موضوعی جدید به حساب نمی‌آید (Wellens, 2010: 5-6). در حقوق بین‌الملل کنونی، سازه نظام چندجانبه صلح و امنیت جمعی بر پایه وحدت و همکاری بنا شده است (Wellens, 2010: 28). واقعیت دهکده جهانی حکایت از آن دارد که دولت‌ها برای برطرف کردن نیازهای خویش به یکدیگر نیاز دارند و به نفع خود می‌بینند که از راه‌های جمعی آن‌ها را حل کنند (Petersmann, 2011: 31). کشورها به تجربه دریافته‌اند که تعامل با دیگران می‌تواند آن‌ها را سریع‌تر به اهدافشان برساند. برای مثال، کشورها در زمینه اقتصاد بین‌المللی چنان با یکدیگر در تعامل‌اند که بحران داخلی به سرعت اقتصاد جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حتی می‌تواند آن را فلج کند یا برای مثال، محیط‌زیست که جز به جز آن وابسته به یکدیگر است. همکاری می‌تواند از طریق نهادهای بین‌المللی یا راه‌های دیگر باشد؛ گروه ۲۰ موسوم به G20 از جمله نهادهای بین‌المللی است که به این منظور پا گرفته است (G-20 Toronto Summit Declaration, 2010: 1). چنین همکاری‌هایی خبر از سوق جامعه جهانی به تعامل هرچه بیشتر اعضای آن می‌دهد. فزونی پی‌درپی و چشم‌گیر تعامل با یکدیگر، پیوستگی را به دنبال می‌آورد. بدین‌رو، دنیای کنونی شاهد جهانی شدن است. جهانی شدن از این‌توان برخوردار است که اجتماع بین‌المللی را به جامعه بین‌المللی تغییر دهد و شکل‌گیری جامعه جهانی کنونی برآمد و حاصل همین توان جهانی شدن است (حدادی، ۱۳۹۰: ۳۴). با این همه، جهانی شدن را نباید همان بین‌المللی شدن قلمداد کرد. بین‌المللی شدن وضعیتی است که در آن، دولت‌ها از آن جهت که تا اندازه‌ای به یکدیگر وابستگی دارند ارتباط میان خود را افزایش می‌دهند. این در حالی است که جهانی شدن حکایت از وضعیتی دارد که پا را از سطح ارتباط دولت با دولت فراتر می‌گذارد. این جریان از طریق فعالیت‌های بشری، جامعه مدنی را وارد عرصه جهانی می‌کند. ورود جامعه مدنی جهانی به این عرصه سبب شده است که سخن از جامعه مدنی جهانی به میان آید (حدادی، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۶).

با این همه، جامعه جهانی در تمام حوزه‌ها نتوانسته است جامع شود و تنها اندیشه جهانی شدن شکل گرفته است و نه تمام واقعیت آن. برای مثال می‌توان از باور نوع بشر به ممنوعیت نسل‌زدایی^۱ یاد کرد.

جهانی شدن هم می‌تواند امری مثبت قلمداد شود هم منفی. همکاری به‌خودی‌خود امری مثبت به شمار می‌آید، اما متأسفانه چنین همکاری‌هایی را می‌توان در ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی نیز شاهد بود (مستقیمی و طارم‌سری، ۱۳۷۷: ۳). این‌گونه است که گذار از جامعه

1. Genocide.

هم‌زیستی^۱ به جامعه همکاری^۲ گامی مسلم به سمت پدیدایی «مسئولیت اشتقاقی» در گستره حقوق بین‌المللی فهمیده می‌شود (Dupuy, 1998: 278) (Abi-Saab, 1998: 248). همکاری با یکدیگر، به طور مستقیم در امکان مطرح شدن «مسئولیت اشتقاقی» اثر می‌گذارد. با رشد روابط در برخی زمینه‌ها همچون حوزه‌های مالی، زیست‌محیطی، هوا و فضا و ... این امکان وجود دارد که بحث مسئولیت بیش از یک دولت یا سازمان بین‌المللی مطرح شود. زیاد شدن همکاری موجب شده است که طبیعتاً نقض تعهدات ناشی از چنین پیمان‌هایی زیادتر شود و به همین علت مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی نیز رو به فزونی گذارد (Buchanan (Harlow, 2011: 173) (Keohane, 2006: 405,437). تعامل تابعان فعال حقوق بین‌الملل با یکدیگر بستر به‌پاخیزی مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی را فراهم می‌آورد (May, 1996: 38,73) (Linklater, 2011: 57,225). روند رو به رشد تعامل با یکدیگر و به طور کلی جهانی شدن سبب می‌شود که دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی نیز به نحوی در عمل متخلفانه دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر نقش داشته باشند (Linklater, 2011: 151,254).

۲. اخلاق‌گرایی

اخلاق، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، باورهای انسانی و نقشی که در پهنه بین‌المللی بازی می‌کنند از امور درخور توجه دنیای کنونی بین‌المللی است که آن را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. بایدها و نبایدهای اخلاقی و گرایش به آن‌ها نه تنها در عرصه حقوق مسئولیت اشتقاقی نقش دارند، بلکه در کل مجموعه به هم بافته شده حقوق بین‌الملل اثر می‌گذارند. از آنجا که هدف قواعد حقوق بین‌الملل در کل، ترسیم چارچوب حقوقی الزام‌آور برای بازیگران جامعه بین‌المللی است، بهترین شاکله ترسیمی شاکله‌ای است که مبین مجموعه ارزشی و اخلاقی مورد قبول همه آن‌هایی باشد که قرار است از آن پیروی کنند. این‌گونه است که الزام‌آوری را که شاید ضعف حقوق بین‌الملل قلمداد شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۳) بتوان تقویت کرد. برای تحقق این مهم باید قواعد حقوق بین‌الملل به گونه‌ای باشند که ارزش‌های مشترک موجود در میان تمدن‌ها و آداب و رسوم متفاوت را بیان کنند (قربان‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۹). در این راه توجه به قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی اهمیت خاصی دارد، زیرا حقوق مسئولیت بین‌المللی در هر یک از زمینه‌های حقوق بین‌الملل کاربرد دارد. با توجه به اینکه از سویی حقوق مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی در زمره دو قسم احصاشده هر دو آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حقوق مسئولیت بین‌المللی است و از سوی دیگر، این قسم از مسئولیت نسبت به دیگری نوظهور است و افزون بر این هر روز مصادیق داخل در آن فزونی می‌یابد،

1. Coexistencesociety.
2. Cooperative society.

لزوم بیرون کشیدن ارزش‌های اخلاقی مشترک از زیر انباشتگی تفاوت، اهمیت بیشتری می‌یابد.

تعریف‌های گوناگونی از اخلاق صورت گرفته است. همواره تعریف اخلاق در پهنه بین‌المللی از محورهایی بوده که نظرهایی متمایز، متعارض و حتی متناقض در خصوص آن مطرح شده است. در ادبیات پارسی حقوق بین‌الملل به فلسفه حقوق کمتر توجه شده است، اما غرب توجه بسیاری به این علم داشته و در این باره قلم‌فرسایی‌ها کرده است. این بحث به رابطه اخلاق و حقوق بین‌الملل منحصر نمی‌شود، بلکه در خصوص اخلاق و حقوق مباحث زیادی نوشته شده است. شاید در جهت اثبات رابطه اخلاق در حقوق بین‌الملل، برجسته‌ترین آن‌ها ژرژ ریپرت^۱ نگارنده کتاب قواعد اخلاقی در تعهدات مدنی^۲ باشد، (قربان‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۶) که توانسته است جایزه آکادمی فرانسه را به خانه ببرد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: هشتم). در مقابل، تومازیوس^۳ کانت و هانس کلسن، مشهورترین کسانی به شمار می‌روند که در سر صف‌های جبهه مخالف ایستاده بودند (قربان‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۶).

این نامتجانس بودن در اندیشه‌های مکاتب مختلف نمود بیشتری یافته است. در این میان، حامیان ایده‌آل‌گرایی پرچم‌دار پررنگ بودن نقش اخلاق در عرصه بین‌الملل‌اند حال آنکه در سوی مقابل، پشتیبانان واقع‌گرایی با به دست گرفتن بیرق نفی نقش اخلاق در این پهنه بر طبل منتفی بودن آن در گستره بین‌المللی می‌کوبند. نامتجانس بودن و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... دولت‌ها موجب ایجاد تمایز میان آن‌ها شده است. سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان به نوعی نشان‌دهنده پدیدایی وحدت در جامعه بین‌المللی دانست، اما راه پیدا کردن نابرابری‌های دولت‌ها و تضارب نظرهای آن‌ها به سازمان‌های بین‌المللی، موجب سستی در این وحدت می‌شود که بعضاً ناکارآمدی‌ها یا حتی انحلال سازمان را در پی دارد. با این همه، حقیقت کتمان‌نشده این است که همواره حکومت اخلاق یا دست‌کم نظارت آن در سطح جهانی از آمال و آرزوهای هر فطرت پاکی بوده است. کانت که از طرفداران ریشه‌دواندن اخلاق در سیاست بین‌الملل بوده به این باور است که: «اگرچه واقعیت روابط بین‌المللی نشان از آن دارد که هر دولتی به دنبال حفظ منافع خود است، اما هستند کسانی که اندیشه نظم حقوقی بین‌المللی به سوی «اخلاق‌گرایی رو به رشد را در سر می‌پروراند».

بخشی از تعریف فرهنگ القاموس سیاسی از اخلاق بین‌المللی به این شرح است: «مجموعه‌ای از قواعد است که وجدان پاک و آزاد انسانی به آن حکم می‌کند و کشورها بدون هیچ‌گونه الزام قانونی به آن عمل می‌کنند و در صورت نقض هیچ مجازاتی مگر فشار افکار عمومی به خاطر افتادن مصالح و کاهش کرامت و اعتبار نقض‌کننده بر آن مترتب نمی‌شود ...

1. George Ripert.

2. La règle morale dans les obligations civiles (FRE).

3. Tomasius.

بسیاری از قواعد اخلاقی در نهایت به صورت قانون درمی‌آیند و درحقیقت اخلاق، اساس وضع مقررات حقوقی قرار می‌گیرد» (عطیة‌الله، ۱۹۶۸: ۲۱). اخلاق‌گرایی که در این خصوص بسیار سخن به میان آمده است (Yee, 2008: 102) (Peters, 2009: 513) از وضعیتی که در آن حاکمیت دولت، سنگ‌بنای نظم حقوقی بود به دوره‌ای گذار کرده است که بر ارزش‌ها و منافع جامعه بین‌المللی تأکید دارد. درواقع این همان چیزی است که از آن به تحول مفهومی «حاکمیت» در حقوق بین‌الملل یاد می‌شود. گرایش به سوی اخلاق هنوز آن‌چنان که باید و شاید بالغ نشده است (Onuma, 2000: 53) (d'Aspremont, 2007: 219)، اما از اثرگذاری آن در حقوق بین‌الملل نمی‌توان غافل بود. اخلاق‌گرایی به سلسله‌مراتب هنجارها می‌پردازد که کدام‌یک از هنجارها اهمیت بیشتری برای جامعه بین‌المللی دارد و نقض کدام‌یک از آن‌ها می‌تواند رژیم مسئولیت را تغییر دهد (Klein, 2002: 1241) (Wyler, 2002: 1147) (Shelton, 2002: 833,841). همچنین، گرایش به اخلاق با اعمال برخی قاعده‌های تفسیری یا به‌واسطه روند شناسایی عناصر ایجادکننده حقوق بین‌الملل عرفی (Arajärvi, 2011: 3) در محتوا و توسعه هنجارهای بین‌المللی اثر گذاشته است. به طور کلی، این موج سوق به سوی اخلاق در نظم عمومی حقوق بین‌الملل اثر گذاشته است که با مدل افقی میان-دولتی همزیستی دارد یا حتی می‌توان گفت که تاحدودی جانشین این مدل شده است (Nollkaemper & Jacobs, 2013: 23). اخلاق‌گرایی مرتبط‌ترین عنصر برای برداشت صحیح از مفهوم مسئولیت اشتقاقی است.

رنگ و بوی اخلاق را می‌توان در بیشتر مصادیق داخل در دایره مسئولیت اشتقاقی احساس کرد. مسئولیت اشتقاقی برای ایجاد راهی مطمئن به‌منظور نیل به آرمان ترمیم صدمه کامل دولت زیان‌دیده از تخلف دولتهایی پدید آمد که در ارتکاب تخلفی بین‌المللی همکاری داشته‌اند (Lanovoy, 2014: 134). از همین روست که اندیشمند حقوق بین‌الملل، لوو، اظهار می‌دارد: «مسئولیت اشتقاقی، منادی گسترش مسئولیت حقوقی به حوزه‌هایی است که تا پیش از این، دولت در این حوزه‌ها صرفاً مسئولیت اخلاقی داشت و حقوق نمی‌توانست آن را بابت اقدامش در این حوزه‌ها مسئول بداند» (Lowe, 2007: 121).

۳. مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی

لزوم مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی را می‌توان از آورده‌ها و برآمدهای جریان سوق به سمت و سوی اخلاق دانست. با گسترش گرایش به اخلاق، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در سطح بین‌المللی رشد زیادی داشته است (Harlow, 2011: 173) (Bovens, 1998: 56). درحقیقت، این اخلاق‌گرایی است که تابع را به پذیرش مسئولیت در قبال نقشی که ایفا کرده است سوق می‌دهد.

لزوم مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی حکم می‌کند آن دولت یا سازمان بین‌المللی که در عمل متخلفانه بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر نقش داشته است بی‌مسئولیت دانسته نشود. البته میزان بارکردن این مسئولیت به فراخور هر وضعیت متفاوت است. نفس امکان مسئول‌دانستن در چنین وضعیت‌هایی است که در اینجا اهمیت دارد. همواره فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، در پیدایش و توسعه مفهوم مسئولیت اشتقاقی اثرگذار بوده است. همچنین، در روبه و اندیشه‌های اندیشمندان بر لزوم پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری بازیگران در عرصه بین‌المللی تأکید شده است (Ala'i, 2008: 779).

۴. افزایش شمار بازیگران فعال در عرصه حقوق بین‌الملل

افزایش تعداد بازیگرانی که در جامعه بین‌المللی مشارکت دارند عاملی است که در ارتباط مستقیم با مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی است. با انعقاد عهدنامه وستفاليا و پدیدایی پدیده دولت ملت، ساختار جامعه بین‌المللی عهد عتیق، نمایی نو یافت و به یک جامعه بین‌الدولی تبدیل شد. عهدنامه وستفاليا (وستفالی) پیمانی است که با خاموش شدن آتش خانمان‌برانداز جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در ۱۶۴۸ میلادی میان کشورهای اروپایی منعقد شد. انگلستان و لهستان تنها کشورهای اروپایی بودند که در این پیمان شرکت نداشتند. تنها شمار اندکی از دولت‌های اروپایی در دایره شمول این جامعه بین‌الدولی جای می‌گرفتند. این دولت‌های اروپایی که براساس اصل برابری ایجاد شده بودند تقریباً دارای توان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکسانی بودند و اگر تفاوتی نیز در این خصوص میان آن‌ها وجود داشت بسیار کم‌رنگ بود. حقوق بین‌الملل در این جامعه تنها به هماهنگ‌سازی آن‌ها اختصاص داشت و به تعبیری حقوق بین‌الملل در این جامعه چیزی نبود مگر حقوق هماهنگی.^۱ منظور از حقوق هماهنگی حقوقی است که «همزیستی فیما بین اعضای آن جامعه را ممکن و عنداللزوم همکاری فیما بین آن‌ها را تسهیل می‌نمود» (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۴۷).^۲

با گذر زمان ماهیت بین‌الدولی جامعه بین‌المللی نیز ایستا نماند و دستخوش تغییرات شگرفی شد. یکی از این تغییرات، به‌وجودآمدن دولت‌های جدید بود. با فزونی دولت‌ها، جامعه بین‌المللی شامل دولت‌هایی می‌شد که توان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکسانی نداشتند و توان آن‌ها با یکدیگر برابر نبود. به دنبال نامتجانسی ایجادشده و روند رو به رشد روابط بین‌المللی، پای سازمان‌های بین‌المللی به‌منزله پدیده‌های نوظهور و برخوردار از شخصیت حقوقی مستقل نیز به این پهنه وارد شد و تا آنجا پیش رفت که امروزه شمار آن‌ها و حتی

1. Coordinative.

۲. به نقل از:

Dies de valesco vallejo manuel, *les organisations internationales*, Economica, 2002, 3.

نقشی که در جامعه بین‌المللی بازی می‌کنند بسیار بیشتر از کشورهاست. سازمان‌های بین‌المللی بدون اینکه توان از میان‌بردن نهاد دولت را داشته باشند یا اینکه خود به ابردولت یا دولت جهانی یا منطقه‌ای بدل شوند، جامعه بین‌المللی را از حالت بین‌الدولی بودن خارج کردند. شمار بالا و درخور توجه اقداماتی که از سوی سازمان‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد بستر را برای طرح مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی فراهم می‌کند. ماهیت پیچیده سازمان بین‌المللی که خود از چندین دولت یا به طور کلی عضو دیگر تشکیل شده است و در عین حال دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است این امر را میسر می‌کند تا عمل متخلفانه آن‌ها موجبات مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی را در میان سازمان بین‌المللی و اعضای آن مطرح کند.^۱

نتیجه‌گیری

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تنظیم چارچوب حقوقی مسئولیت بین‌المللی، در دو طرح مربوط به دولت‌ها (۲۰۰۱) و سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱)، دو اساس در اعمال مسئولیت به کار بسته است؛ مسئولیت مستقل و اشتقاقی. مسئولیت مستقل، حکایت از مسئولیت مباشر عمل متخلفانه دارد و مسئولیت اشتقاقی ناظر بر مسئولیت در خصوص (یا ناشی از) فعل یا ترک فعل دیگری است. این‌گونه عملکرد کمیسیون، مسائلی در خصوص رابطه این دو با یکدیگر ایجاد کرده است، اما با توجه به مفاد هر دو، قابل برداشت است که اصل بر مسئولیت مستقل است و مسئولیت اشتقاقی جنبه ثانوی دارد و در عین حال مکمل آن است. در این راه باید گفت که هر دو را می‌توان هم‌زمان معمول داشت و یکی مانع از اعمال دیگری نمی‌شود. مطالعه سیر ورود مفهوم مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، نشان از آن دارد که نگرش‌ها نسبت به عمل متخلفانه بین‌المللی تحول یافته است و در واقع تحولی به‌جاست، به‌گونه‌ای که نبود این مقرره، قطع یقین خلأی بسیار بزرگ در نظام مسئولیت بین‌المللی به دنبال دارد. تحولی که به حوزه دولت‌ها محدود نشده و پا به عرصه سازمان‌ها نیز نهاده است. یکی دیگر از مقولاتی که به هرچه روشن‌تر شدن مسئولیت ناشی از عمل دیگری در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند و کمیسیون در خصوص آن سکوت کرده است زمینه‌های پیدایش مسئولیت اشتقاقی است که خود، زمینه‌های گسترش آن نیز قلمداد می‌شود. گفتنی است سکوت کمیسیون در این باره، تاندازه‌ای ناظر بر رسالت کمیسیون بوده است و نه کوتاهی آن، زیرا کمیسیون به دنبال تنظیم قواعد حقوقی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های

۱. در خصوص ماهیت پیچیده سازمان‌های بین‌المللی بنگرید به:

C. Brölmann. *The International Institutional Veil in Public International Law. International Organisations and the Law of Treaties*, Hart Publishing, 2007.

بین‌المللی بوده است و نه تبیین یک به یک مسائل حقوق مسئولیت بین‌المللی. حرکت از اجتماع به سوی جامعه بین‌المللی و سیر همزیستی به همکاری بین‌المللی خود جوهی در پی دارد که پیدایی و البته گسترش مسئولیت اشتقاقی از آن وجوه است. اخلاق‌گرایی، گزاره‌ای است که بسیار از آن دم زده می‌شود و در نگرش‌ها نسبت بدان تفاوت‌هایی وجود دارد، اما به هر روی، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان منکر نقاط مشترک در همین نگرش‌های بعضاً متعارض شد و یکی از آن نقاط مشترک، آن است که هر کس به اندازه‌ی نقشی که داشته است مسئولیت داشته باشد. مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی که خود برآمده از نهضت اخلاق‌گرایی است اقتضا دارد هیچ متخلفی، چه مباشر باشد چه غیرمباشر، بی‌مسئولیت نماند و پاسخ‌گوی آثار عمل متخلفانه خود باشد. با پذیرش شخصیت حقوقی بین‌المللی برای سازمان‌های بین‌المللی و احصای آنان در جرگه‌ی تابعان فعال حقوق بین‌الملل، هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که این قسم از مسئولیت در قبال آنان قابل اعمال نباشد و مضاف بر این، حضور سازمان‌های بین‌المللی که خود برآمده از سیر جامعه بین‌المللی از هم‌زیستی به همکاری است، موجب روزافزونی همکاری‌ها در جامعه بین‌المللی نیز می‌شود که متأسفانه این همکاری می‌تواند در ارتکاب عمل متخلفانه باشد و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که از زمینه‌های بنیادین ظهور و گسترش مسئولیت اشتقاقی در گستره بین‌المللی دانسته می‌شود. البته در این زمینه‌ها، علل و عوامل را باید به‌منزله‌ی مجموعه‌ای واحد و جدایی‌ناپذیر دید که هر یک ضمن تأثیرگذاری در دیگری، از آن تأثیر می‌پذیرد و هیچ سلسله‌مراتبی میان آنان وجود ندارد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۲). *اقدامات متقابل و مسئولیت بین‌المللی ناشی از منافع جمعی*، خرسندی.
۲. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۱). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳. حدادی، مهدی (۱۳۹۰). *تحول در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها*، دادگستر.
۴. ستایش‌پور، محمد و عابدینی، عبدالله (۱۳۹۵). «استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده آمریکا»، پژوهش حقوق عمومی، شماره پنجاهم، ۱۴۳-۱۶۹.
۵. ستایش‌پور، محمد؛ زیر نظر حدادی، مهدی (۱۳۹۴). «مسئولیت اشتقاقی در نظام مسئولیت بین‌المللی (با تأکید بر طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت و طرح ۲۰۱۱ مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی)»، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش.
۷. عطیةالله، احمد (۱۹۶۸م). القاموس السياسي، دارالنهضة العربیة.
۸. عبداللهی، محسن و معرفی، سعیده (۱۳۸۹). «اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، پژوهش حقوق، شماره ۲۹، ۱۹۹-۲۲۴.
۹. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۷۸). اخلاق و حقوق بین‌الملل، سمت.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی- ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. مستقیمی، بهرام و طارم‌سری، مسعود؛ زیر نظر ممتاز، جمشید (۱۳۷۷). مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۲. میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۸۹). «مکتب رئالیسم سیاسی»، در امیر ساعد وکیل و همکاران، مروری بر مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل، بنیاد حقوقی میزان.

ب) انگلیسی

13. Abi-Saab, Georges (1998). "Whither the International Community?", *European Journal of International Law*, vol. 9, 248-265.
14. Ala'i, Padideh (2008). "From the Periphery to the Center? The Evolving WTO Jurisprudence on Transparency and Good Governance", *Journal of International Economic Law*, vol. 11, 779-802.
15. Arajärvi, Noora Johanna (2011). "The Lines Begin to Blur? OpinioJuris and the Moralisation of Customary International Law", at ssrn.com/abstract=1823288.
16. Bovens, Mark (1998). *The Quest for Responsibility: Accountability and Citizenship in Complex Organizations*, Cambridge University Press.
17. Buchanan, Allen, & Keohane, Robert O. (2006). *The Legitimacy of Global Governance Institutions*, Ethics and International Affairs, vol. 20.
18. Crawford, James D. (2013). *State Responsibility: General Part*, Cambridge University Press.
19. d'Aspremont, Jean (2007). "The Foundations of the International Legal Order", *Finnish Yearbook of International Law*, vol. 18, 219-255.
20. d'Aspremont, Jean; Nollkaemper, André; Plakokofalos, Ilias & Ryngaert, Cedric (2015). "Sharing Responsibility Between Non-State Actors and States in International Law: Introduction", *Netherlands International Law Review*, vol. 62, 49-67.
21. Dupuy, Pierre-Marie (1998). "International Law: Torn between Coexistence, Cooperation and Globalization. General Conclusions", *European Journal of International Law*, vol. 9, 278-286.
22. Graefrath, Bernhard (1996). "Complicity in the Law of International responsibility", *Revue beige de droit international*, vol. 29, 371-380.
23. Harlow, Carol (2011). *Accountability as a Value in Global Governance and for Global Administrative Law* in Anthony, Gordon, *Values in Global Administrative Law*, Hart Publishing.
24. Klein, Pierre (2002). "Responsibility for Serious Breaches of Obligations Deriving from Peremptory Norms of International Law and United Nations

- Law", *European Journal of International Law*.
25. Lanovoy, Vladyslav (2014). "Complicity in an internationally wrongful act, In Nollkaemper, André and Plakokefalos, Ilias", *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of The State of the Art*, Cambridge University Press.
 26. Linklater, Andrew (2011). *The Problem of Harm in World Politics, Theoretical Investigations*, Cambridge University Press.
 27. Lowe, Vaughan (2007). *International Law*, Cambridge University Press.
 28. May, Larry (1996). *Sharing Responsibility*, University of Chicago Press.
 29. Muller, Daniel (2010). *The work of Garcia Amador on state responsibility for injury caused to aliens*, in Crawford, James D., Pellet, Alain and Olleson, Simon, *The Law of International Responsibility*, Cambridge University Press.
 30. Nollkaemper, André. & Jacobs, Dov (2013). "Shared Responsibility in International Law: A Conceptual Framework", *Michigan Journal of International Law*, vol. 34.
 31. Noyes, John E. & Smith, Brian D. (1988). "State responsibility and the principle of joint and several liability", *Yale Journal of International Law*, vol. 13, 225-267.
 32. Onuma, Yasuaki (2000). "In Quest of Intercivilizational Human Rights: 'Universal' vs. 'Relative' Human Rights Viewed from an Asian Perspective", *Asia Pacific Journal on Human Rights and the Law*, vol. 1, 53-88.
 33. Peters, Anne (2009). Humanity as the A and Ω of Sovereignty, *European Journal of International Law*, vol. 20, 513-544.
 34. Petersmann, Ernst-Ulrich (2011). "International Economic Law, "Public Reason", and Multilevel Governance of Interdependent Public goods", *Journal of International Economic Law*, vol. 14, 23-76.
 35. Roucounas, Emmanuel (2013). "Practice As A Relevant Factor For The Responsibility Of International Organizations, in Ragazzi", Maurizio, *Responsibility of International Organizations, Essays in Memory of Sir Ian Brownlie*, Martinus Nijhoff Publishers, 159-172.
 36. Spier, Jaap (2003). *Unification of Tort Law: Liability for Damage Caused by Others*, Kluwer Law International.
 37. Shelton, Dinah (2002). "Righting Wrongs: Reparations in the Articles on State Responsibility", *American Journal of International Law*, vol. 96, 833-856.
 38. Spinedi, Marina (2002). "From One Codification to Another: Bilateralism and Multilateralism in the Genesis of the Codification of the Law of Treaties and the Law of State Responsibility", *European Journal of International Law*, vol. 13, 1099-1125.
 39. Stone, Christopher, D. (2004). "Common But Differentiated Responsibilities In International Law", *American Journal of International Law*, vol. 98, 276-301.
 40. Wellens, Karel C. (2010). "Revisiting Solidarity as a (Re-)Emerging Constitutional Principle: Some Further Reflections, in WolfrumRüdiger and Kojima, Chie", *Solidarity: A Structural Principle of International Law*, 3-54.
 41. Wyler, Eric (2002). "From State Crime to Responsibility for Serious Breaches of Obligations under Peremptory Norms of General International Law", *European Journal of International Law*, vol. 13, 1147-1160.
 42. Yee, Sienho (2008). "Towards a Harmonious World: The Roles of the International Law of Co-progressiveness and Leader States", *Chinese Journal of*

International Law, vol. 7, 99-105.

Cases

43. ICJ Report, (1949). *Corfu Channel (UK v. Albania)*.
44. ICJ Report, (1992). *Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia)*.
45. ICJ Report (2003). *Oil Platforms (Iran v. US)*.

Documents

46. A/71/80. (2016). GA Doc. Responsibility of States for internationally wrongful acts, Compilation of decisions of international courts, tribunals and other bodies, report of the secretary-general.
47. A/CN.4/504.(2000). GA Res. ILC Report on the work of its fifty-first session (1999).
48. A/CN.4/498/Add.2. (1999). *Second report on State responsibility* by James Crawford, Special Rapporteur.
49. A/CN.4/507 and Add. 1-4. (2000). *Third report on State responsibility*, by James Crawford, Special Rapporteur.
50. A/CN.4/246 and Add.1-3 (1971). *Third report on State Responsibility*, Special Rapporteur, Ago.
51. A/9010/Rev.1 (1973). *Report of the International Law Commission on the work of its twenty-fifth session*.
52. CISDL Legal Brief (2002). *The Principle of Common But Differentiated Responsibilities: Origins and Scope*, For the World Summit on Sustainable Development, Johannesburg.
53. ILC Yearbook (1978). vol. II, part. Two.
54. ILC Yearbook (1979). vol. II, part. One.
55. ILC Yearbook (2001). vol. II, part. 2, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, (ARSIWA)*.
56. ILC Report (2011). Report on the work of its sixty-third session, A/66/10, UNGAOR 66th Sess., Supp. No. 10. *Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO)*.
57. G-20 (2010). Toronto Summit Declaration.

Internet Resources

58. <http://www.cisd.org/index.php> (Last visited: 21.01.17).
59. <http://legal.un.org/ilc> (Last visited: 21.01.17).
60. <http://www.sharesproject.nl/news> (Last visited: 01.03.17).